

علّامه محمّد تقی جعفری، در اولین ساعات حضورش در قم به حرم حضرت معصومه (س) پناه برد. سر بر ضریح آن حضرت گذاشت و آرام اشک ریخت. از خداوند خواست به او در راهی که انتخاب کرده است؛ اخلاص و همّت بلند، عطا کند و به قلب نگران مادر نیز آرامش و نشاط بخشد و بیماری و کسالت او را شفا دهد.

زندگی، همین لحظه هاست و از دست دادن فرصت ها جز غصّه و اندوه چیزی همراه ندارد. این سخن زیبای نهج البلاغه، یادمان باشد: «فرصت ها مثل گذشتن ابرها می گذرند، فرصت های خوب و عزیز را دریابید.»

باقی قلبم، یعنی آن نصفه خالی را، با خوشحالی و رضایت، دادم به همه آدم های خوبی که توی محله ی ما زندگی می کنند؛ همه قوم و خویش های خوبی که دارم و همه دوستانم و همه معلم هایی که بچه ها را دوست دارند.

اگر نیروی جوانی و شادابی و چالاکی را با تأمل ، تفکر و بصیرت همراه کنیم ، به شکوفایی خواهیم رسید. پاکیزگی و آراستگی ، ما را با زیبایی های جهان پرشکوه الهی همراه می کند.

« من به هیچ وجه قبول نمی کنم حرف ها و تحلیل های کسانی را که گاهی در برخی از مطبوعات یا رسانه ها از انحراف نسل جوان سخن می گویند؛ اینها چرا صلاح و پاکدامنی و صداقت جوانان را نمی بینند؟ چرا شور و شعور جوانان را نمی بینند؟ »

در یکی از سال های نوجوانی که کنجکاوی خستگی ناپذیری داشتم، برای فراگرفتن و فهمیدن و به ویژه کشف کردن، سری به طبیعت روستا زدم. در کلاس شگفت آفرینش و زیبایی طبیعت، عظمت و جلال و جاذبه خالق درس را با همه وجودم لمس می کردم.